



Article Type: Research paper

Examining the Egyptian Army's Approaches and Policies to Counter the Muslim Brotherhood after the 2013 Coup

Ehsan Shahebrahim¹, *Hamid Ahmadi², Asadollah Athari³

1. PhD student in Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Visiting Assistant Professor, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Article Info.

Received: 27/11/2023

Accepted: 31/1/2026

Available Online: 18/7/2026

Keywords:

Egyptian Army, Muslim Brotherhood, coup, Arab Spring, Abdel Fattah el-Sisi.

* Corresponding Author:

Dr. Hamid Ahmadi

Address: Professor,
Department of Political Science,
University of Tehran, Tehran,
Iran.

E-mail:

shahebrahimehsan@gmail.com

Abstract

The Arab Spring in 2011 led to a change in political conditions in many North African countries, including Tunisia and Egypt. In Egypt, widespread popular protests and the formation of Fridays of Rage led to the overthrow of the dictatorship of "Hosni Mubarak" and the formation of an interim government and a transitional council. The transitional council held elections in 2012, which resulted in the victory of the Brotherhood and other Islamist groups. The presidency of "Mohammed Morsi" was not auspicious for the Muslim Brotherhood and their supporting groups, and as the differences between the army and the Morsi government intensified, General "Abdul Fattah al-Sisi" finally returned power to the army in a coup. Accordingly, it is important to review the confrontation between the Egyptian army and the Muslim Brotherhood as two influential forces in the country's political developments and to recognize the factors that accelerated the army coup and the overthrow of the Brotherhood. After the Arab Spring, despite a short period of appeasement and in the shadow of the army, the Egyptian military took action and took control of the political scene, feeling worried and in danger of losing power.

How to Site:

Shahebrahim, Ehsan.Ahmadi , Hamid, Athari Asadollah (2025). Approaches and policies of the Egyptian army to confront the Muslim Brotherhood after the Arab Spring. *Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 7 (4), 410-427.



Authors retain the copyright and full publishing rights.

Published by Iranian Association of Geopolitics. This article is an open access article licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

بررسی رویکردها و سیاست‌های ارتش مصر برای مقابله با اخوان المسلمین پس از کودتای سال ۲۰۱۳

احسان شاه‌ابراهیم^۱، * حمید احمدی^۲، اسدالله اطهری^۳

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار مدعو، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

چکیده

کودتای سال ۲۰۱۳ در مصر نتیجه اتحاد و ائتلاف نیروهای سیاسی با ارتش بود. هر چند احزاب سکولار در مصر و اسلام‌گرایان میانه‌رو نیز در مورد دموکراسی و برگزاری انتخابات آزاد با ارتش اختلاف نظر داشتند، اما نارضایتی از عملکرد محمد مرسی، رئیس‌جمهور اسلام‌گرا و نگرانی از سیطره اخوان المسلمین بر ساختار سیاسی موجب شد طبقه متوسط نارضاضی، احزاب سکولار و ارتش ائتلافی غیررسمی و منسجم را علیه اخوانی‌ها شکل دهند، به گونه‌ای که با انجام کودتا و سرنگونی دولت مرسی نیز از ارتش حمایت کردند. نظامیان در مصر دوباره نظام «میلیتاریستی» اقتدارگرا را حاکم کردند و به شکلی گسترده اسلام‌گرایان و اخوان المسلمین را سرکوب کردند. پیامدهای کودتای سیاسی و تأثیر آن در کنش و جایگاه اخوانی‌ها پس از این رویداد در این مقاله بررسی می‌شود. سوال اصلی این مقاله با این مضمون شکل می‌گیرد که چه عوامل داخلی (در همراهی بخشی از مردم و همچنین احزاب سکولار) روند کودتای ارتش در مصر برای سرنگونی محمد مرسی، رئیس‌جمهور اسلام‌گرا، را تسریع کرد؟ و فرضیه نیز بر این مبناست که ارتش مصر با تکیه بر نفوذ گسترده در ساختارهای سیاسی و نارضایتی مردم از عملکرد دولت مرسی با همراهی احزاب سکولار موفق به انجام کودتا شد. در این فرضیه ارتش مصر متغیر مستقل و دولت مرسی و احزاب سکولار متغیر وابسته هستند.

تاریخ دریافت: ۶ آذر ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۷ تیر ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

ارتش مصر، اخوان المسلمین،
کودتا، بهار عربی، عبدالفتاح
السیسی.

* نویسنده مسئول:

دکتر حمید احمدی

نشانی: استاد گروه علوم سیاسی،
دانشگاه تهران، تهران، ایران.

پست الکترونیک:

shahebrahimehsan@gmail.com

استناد به این مقاله:

شاه ابراهیم، احسان. احمدی حمید و اطهری، اسدالله (۱۴۰۴). رویکردها و سیاست‌های ارتش مصر برای مقابله با اخوان المسلمین پس از بهار عربی. *مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام*، ۷ (۴)، ۴۱۰-۴۲۷.

۱. مقدمه

در بررسی تحولات تاریخی معاصر مصر، نظامیان همواره نقشی تاثیرگذار داشته‌اند. تغییر نظام پادشاهی به جمهوری در مصر نتیجه کودتای سال ۱۹۵۲ نظامیان مصری بود. اگرچه در سال‌های اولیه پیش از کودتا همکاری نزدیکی بین اخوان المسلمین و ارتش وجود داشت؛ با قدرت گرفتن نظامیان تنش بین حکومت‌های نظامی و اخوان تشدید شد. حسن البنا، بنیان‌گذار اخوان المسلمین، از زمان تاسیس همواره به نقش و اهمیت دین اسلام در زندگی و به‌عنوان زمینه اصلی تشکیل حکومت تاکید داشت. اخوان المسلمین، از زمان تاسیس در سال ۱۹۲۸ (Mi-chelle, 2016: 16) با رهبری حسن البنا و جانشینانش همواره تشکیل دولت و نظام اسلامی را از اهداف اصلی خود می‌دانستند. رهبران اخوان مانند ارتش اقدام به سازمان‌دهی ساختار درونی، عضوگیری و آموزش نیروها برای پیشبرد اهداف خود می‌کردند. سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به اخوان در برخی مقاطع تاریخی اقدامات موثری برای کمک و حمایت از مردم انجام دادند که حتی دولت مصر نیز چنین توانایی را نداشت. (Hussein, 2006: 26-51)

نظامیان مصری پس از کودتا و با آغاز ریاست جمهوری جمال عبدالناصر در دادگاه‌ها و همچنین اقتصاد و سیاست نفوذ و قدرت بیشتری یافتند. از دهه ۱۹۶۰ میلادی، با افزایش قدرت ناصر، رئیس‌جمهور وقت، سرکوب اخوان المسلمین تشدید شد. این روند در دوران انور سادات و حسنی مبارک نیز ادامه یافت و همواره اسلام‌گرایان مصری رقیبی جدی برای ارتش بودند. ظهور گروه‌های جهادی، سازمان‌های تبلیغی اسلام‌گرای وابسته به اخوان المسلمین و نهادهای مذهبی وابسته به اخوان در دوران انور سادات و حسنی مبارک موجب تشدید نزاع بین حکومت و اسلام‌گرایان شد. در این شرایط و مقاطع خاص زمانی، اخوان سعی می‌کرد از فضای محدود سیاسی (دوران سادات و مبارک) برای فعالیت‌های اجتماعی-مذهبی و حضور در پارلمان استفاده کند، اما با تثبیت قدرت حاکمیت روسای جمهور سیاست همیشگی برای سرکوب اخوان را در پیش گرفت.

تنها در یک مقطع تاریخی پس از بهار عربی و سقوط حکومت مبارک و به قدرت رسیدن محمد مرسی، رئیس‌جمهور اسلام‌گرای مورد حمایت اخوان المسلمین، بود که ارتش مصر و فرماندهان نظامی برای کنار زدن اسلام‌گرایان و بازگشت به قدرت مجبور به استفاده از نیروهای اجتماعی (مردمی) و سیاسی (احزاب مخالف) برای مقابله با اخوان المسلمین و حامیان آن‌ها

شدند. ارتش مصر برای تثبیت قدرت نیاز به همکاری بازیگران سیاسی (احزاب سکولار) و نیروهای اجتماعی (مردم) داشت.

۲. پیشنهاد تحقیق

در مورد تحولات سیاسی مصر و همچنین ساختار سیاسی جنبش اخوان المسلمین کتاب‌ها و مقالات متعددی در سال‌های اخیر نوشته یا ترجمه شده است. اسحاق موسی الحسینی از جمله نویسندگان سرشناس جهان عرب محسوب می‌شود که کتاب «اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر» را نوشته و سید هادی خسروشاهی نیز آن را ترجمه کرده است. در کتاب الحسینی، به تحولات سیاسی مصر و چگونگی شکل‌گیری اخوان المسلمین پرداخته شده است. نویسنده این کتاب، به تحولات سال‌های اخیر اخوان نمی‌پردازد. ریچارد میشل، تحلیلگر آمریکایی عرب‌تبار، نیز موضوع کتاب دوجلدی «جمعیت اخوان المسلمین» را به تحولات سیاسی مصر پیش از کودتای سال ۱۹۵۲ و علل اختلاف اخوان با ارتش اختصاص داده است. میشل در جلد دوم کتاب خود ساختار و سازمان‌دهی درونی اخوان المسلمین را بررسی کرده است. کتاب الحسینی و میشل مهم‌ترین آثار در مورد تحولات تاریخی مصر و شکل‌گیری اخوان المسلمین و تقابل ارتش با این جمعیت است.

مجید خدوری نیز در کتاب «گرایش‌های سیاسی در جهان عرب» به این موضوع اشاره می‌کند که اصولاً در تاریخ سیاسی جهان عرب همواره نظامیان در کنار حکمرانان نقشی تاثیرگذار در قدرت داشته‌اند. به اعتقاد خدوری، در طلوعه استقلال‌خواهی در جهان عرب نیز ارتش (به‌ویژه مورد مصر) با مشاهده ناکامی روشنفکران و سیاست‌مداران حزبی وارد عمل شدند تا نظام‌های کهن را براندازند. (Khodori, 1995: 145-146)

باتوجه به روند رویکردها و اقدامات نظامیان مصری، پیش از سرنگونی دولت اسلام‌گرا، ارتش در دو وجه عمومی با حمایت از اعتراضات مردمی و از سوی دیگر جانبداری از روشنفکران سکولار و فعالان سرشناس سیاسی جبهه‌ای واحد علیه اخوانی‌ها شکل داد. مقامات ارتشی باوجود تشکیل دولت اسلام‌گرا نفوذ خود در دولت را حفظ کرده بودند و پیش از کودتا اقدامات عملگراییانه برای سازمان‌دهی کودتا و تبلیغی علیه اخوانی‌ها را تشدید کرده بودند. یکی از مسائل همیشه مورد بحث درباره جوامع در حال توسعه، اهمیت و نقش تاریخی ارتش در تحولات سیاسی بوده است. مجید خدوری، اندیشمند عراقی، علت اصلی به قدرت رسیدن نظامیان و

شکل گرفتن حکومت‌های میلیتاریستی در جهان عرب را به علت تحولات تاریخی می‌دانست. خدوری جایگاه ارتش در جهان عرب را بی‌بدیل می‌دانست، زیرا نظامیان در مبارزه با استعمار به‌ویژه قرن بیستم و مقابله و سرنگونی حکومت‌های سنتی پادشاهی نقشی بی‌بدیل داشتند. این جایگاه تاریخی به‌ویژه در مصر به ارتش کمک می‌کرد تا نفوذ خود را در ارکان قدرت حفظ کند. خلیل عنانی نیز در دیدگاه خود و توصیف «دولت عمیق» تحلیل خود را بر این مبنا قرار داده است که دخالت ارتش و نظامیان صاحب قدرت پشتوانه‌ای اقتصادی-سیاسی دارد که در تحولات مهم این گروه بازیگر اصلی خواهند بود. دو واژه اصلی فرضیه ارتش مصر و ساختارهای سیاسی، متغیرهای مستقلی هستند که در سرنوشت و نوع عملکرد متغیرهای وابسته دولت مرسی و احزاب سکولار تأثیری انکارناپذیر داشتند.

علی باقری دولت‌آبادی و مهدی عوض‌پور نیز در کتاب «انقلاب مصر ریشه‌ها، بازیگران و پیامدها با تمرکز بر دوره (۲۰۱۱ و ۲۰۱۳)» به نقش‌آفرینی ارتش مصر در تحولات سیاسی این کشور و علل شکل‌گیری کودتای ارتش علیه دولت اسلام‌گرای مرسی پرداخته‌اند. در این کتاب، به دیدگاه خلیل عنانی، استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا، اشاره می‌شود که از اصطلاحی با عنوان «دولت عمیق» نام می‌برد. دولت عمیق نشان‌دهنده قدرت و جایگاه ارتش در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است. به باور عنانی، دولت عمیق (نظامیان) در دوران حکومت محمد مرسی توانست اخوانی‌ها را دچار فرسایش کند و از ضعف تجربه و قدرت آنان در کنترل نهادهای دولتی به نفع خود استفاده کند. به باور خلیل عنانی، دولت مرسی و اخوان المسلمین برآورد درستی از قدرت این دولت عمیق نداشتند و نتوانستند نحوه تعامل صحیح با آن را پیدا کنند.

کتاب «اسناد بهار عربی و بیداری اسلامی» نوشته حسن محمد الزین با ترجمه جبار شجاعی، نیز تحولات بهار عربی در جهان عرب از جمله مصر را بررسی کرده است. بخش قابل توجهی از اسناد و گزارش‌های ارائه‌شده در کتاب در خصوص زمینه‌های شکل‌گیری بهار عربی و پیامدهای آن در مصر بوده است. در مورد تحولات سیاسی مصر در سال‌های اخیر چه از نظر ابعاد اقتصادی و سیاسی مقالات متعددی نوشته شده است. مسعود مطلبی در مقاله «بازشناسی نقش و جایگاه ارتش در تحولات سیاسی اجتماعی مصر پیش و پس از سقوط دولت مرسی» به این موضوع می‌پردازد که نظامیان همواره در ساختار حاکمیت حضور داشته‌اند و رهبران سیاسی نیز، به استثنای محمد مرسی، پیشنهادی نظامی داشته‌اند. نویسنده این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که تحولات آینده مصر به تعامل ارتش و اخوان المسلمین بستگی دارد.

محمد مهدی مظاهری، اعظم ملایی و مجید کافی نیز در مقاله مشترک خود با عنوان «نقش نظامیان در روند بیداری اسلامی مصر» تاکید می‌کنند که با به قدرت رسیدن محمد مرسى، رئیس‌جمهور اسلام‌گرا، مقامات ارتش مصر به دنبال تثبیت جایگاه خود در قانون اساسی و امنیتی کردن شرایط بودند.

تحلیل تحولات سیاسی مصر در سال‌های اخیر (۲۰۱۳ تا ۲۰۲۳) و علل بازگشت قدرتمندانه ارتش به صحنه سیاسی و همچنین توانایی عبدالفتاح السیسی در جایگاه ریاست جمهوری برای تثبیت جایگاه ارتش از جمله موضوعاتی است که در کتاب‌ها و مقالات به آن کمتر پرداخته شده و در این مقاله عملکرد ارتش پس از کودتا و بازگشت به قدرت و پیامدهای آن بررسی می‌شود.

۳. اعتراضات مردم و احزاب سیاسی علیه ارتش مصر و «حسنی مبارک»

۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، اعتراضات مردمی در مصر علیه حکومت حسنی مبارک، رئیس‌جمهور وقت مصر، آغاز شد. با شروع اعتراضات مردمی (بهار عربی) در تونس و گسترش آن به جهان عرب فعالیت جنبش‌های مردمی و احزاب سیاسی سکولار همچنین گروه‌های مردمی سازمان‌یافته در مصر نیز گسترش یافت. قیام مردمی در مصر اگرچه با پیشتازی گروه‌های مردمی و جوانان در شهرهای مختلف با تشکل و سازمان‌دهی در فضای مجازی آغاز شد؛ پس از روزهای اولیه اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های اسلامی و سکولار نیز به آن پیوستند. «در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱، حدود ۲۰ هزار نفر از مخالفان حکومت در سراسر مصر برای اظهار خشم خود از فقر و سرکوب در روز موسوم به روز خشم راهپیمایی می‌کنند. تظاهراتی که شعار آن تغییر... معیشت... آزادی و عدالت اجتماعی بود.» (Al-Zain, 2018: 80)

با شروع اعتراضات ارتش مصر، اقدامات خود را برای مقابله با نارضایتی‌ها آغاز کرد، اما معترضان به شکل گسترده‌ای در خیابان‌ها و میدانی مهم شهرها تجمع می‌کردند. قاهره به عنوان پایتخت مصر و شهری که تحولات آن جهان عرب را همواره تحت تاثیر قرار می‌داد مرکز اصلی اعتراضات بود، اما مردم شهرهای مهم دیگر مصر از جمله بندر اسماعیلیه و اسکندریه نیز به صفوف اعتراضات مردمی پیوستند. فراگیری اعتراضات و نارضایتی شدید مردم در کنار فعالیت‌های گسترده جوانان مصری در تشکل‌های خیابانی از جمله «جنبش جوانان ۶ آوریل» و «ما خالد سعید هستیم» شرایط را به شدت علیه مبارک و ارتش تغییر داد. جنبش «کفایه» و «جوانان ۶ آوریل» از جریان‌های اصلی در پیشبرد اعتراضات مردمی در بهار عربی در

مصر بودند. «سرانجام پس از ۱۸ روز مقاومت جوانان و مردم و پیوستن برخی احزاب و تشکل‌های مصر همچون اخوان المسلمین به این کمپین‌ها حکومت مبارک سرنگون شد.» (Haji Yousefi & Zakeri, 2020: 31)

طیف‌های مختلفی، از جمله جوانان و زنان، هم‌زمان با تضعیف جایگاه ارتش از فرصت پیش‌آمده پس از بهار عربی استفاده و خواسته‌های خود را برای دستیابی به حقوق اجتماعی و سیاسی مطرح کردند. «حضور نیروهای اجتماعی مانند زنان در حرکت‌های بهار عربی نشان‌دهنده خوانش‌های فمینیستی و انتقادی نسبت به روندهای مردسالارانه بوده است.» (Ha-midi, et al., 2023: 44)

تحولات سیاسی در مصر و اعتراضات مردمی نتیجه‌بخش بود و موجب تغییر رویکرد نظامیان برای حفظ جایگاه خود در ساختار قدرت شد. احزاب مخالف برای برگزاری انتخابات آزاد تلاش می‌کردند درحالی‌که سران ارتش اهداف و برنامه‌های خود برای بازگشت به قدرت را طراحی و اجرا می‌کردند.

۴. نفوذ ارتش مصر و تشکیل شورای انتقالی با هدف حفظ و تثبیت ساختار سیاسی

وقوع بهار عربی و گسترش اعتراضات مردمی نیز موجب نشد ارتش مصر دخالت‌های خود در امور سیاسی را کاهش دهد. تشکیل شورای انتقالی، به ارتش و نظامیان مصری این فرصت را می‌داد که ضمن حفظ قدرت و نفوذ خود ساختار حاکمیت را کماکان در اختیار خود بگیرند. «با رفتن مبارک، ساختار قدرت تغییر چندانی نکرد. شورای نظامی و دستگاه‌های تابعه آن یعنی نیروهای امنیتی و پلیس و زندان و دادگاه‌ها با همان ذهنیت و طرز تفکر رژیم قبلی با مردم به مقابله پرداختند.» (Awadpour, Bagheri Dolatabadi, 2013: 226)

هدف اصلی نظامیان، نفوذ در ارکان قدرت و تاثیرگذاری در آن تا زمان برگزاری انتخابات بعدی بود. شورای انتقالی (نظامی) به‌صورت موقت قدرت را در اختیار گرفت. این شورا اداره امور کشور را تا برگزاری انتخابات در اختیار داشت. سرلشکر محمد حسین طنطاوی، فرمانده کل نیروهای مسلح، بیانیه‌ای قانونی صادر کرد که در آن تاکید شده بود این شورا (شورای نظامی) اداره امور کشور را به‌صورت موقت و شش ماهه یا تا زمان پایان انتخابات مجلس ملی و مجلس شورا و ریاست جمهوری در دست خواهد داشت. (Al-Zain, 2018: 83)

سرن نظامی در این مرحله مهم‌ترین هدف خود را تضعیف اسلام‌گرایان، ازجمله اخوان المسلمین، قرار دادند و با پیش‌بینی اینکه احتمال پیروزی نامزد اخوانی‌ها در انتخابات وجود دارد اقدامات خود را برای تاثیرگذاری در انتخابات آغاز کردند. «نظامیان مصر با آگاهی از این موضوع، که برگزاری انتخابات موجب پیروزی گسترده اسلام‌گرایان خواهد شد، پارلمان را منحل کردند. دادگاه قانون اساسی مصر همگام و همراه با نظامیان صلاحیت خیرت الشاطر، نامزد اصلی اخوان المسلمین، را رد کرد تا رقابتی نزدیک بین احمد شفیق، نامزد مورد حمایت نظامیان، و محمد مرسى، نامزدی ضعیف‌تر که مورد حمایت اسلام‌گرایان بود، شکل بگیرد» (Herati & Zafari, 2013: 151). دوران قدرت گرفتن شورای انتقالی در مصر، دوران تسلط و تاثیرگذاری بیشتر نهادها و سازمان‌های امنیتی در فضای سیاسی پس از بهار عربی بود. مصر در دوران پسامبارک، به جای گذار به دموکراسی به دولتی امنیتی تبدیل شد. (Zulfagari, 2013: 61)

در بازخوانی تحولات سیاسی پیش از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۲، کماکان باید نقش ارتش مصر را به‌عنوان بازیگر اصلی در نظر گرفت. نظامیان مصری فرایند گذار از نظام سیاسی پیشین و مقابله با اعتراضات مردمی را با تشکیل شورای انتقالی و تمرکز قدرت در این نهاد سیاسی موقت به پیش بردند.

۵. زمینه‌سازی و اقدامات ارتش مصر برای سرنگونی دولت اسلام‌گرا

شروع ریاست جمهوری مرسى و تلاش رئیس‌جمهور منتخب برای اصلاح قانون اساسی و تغییر شرایط قانونی دادگاه‌ها با واکنش و نارضایتی نظامیان و وابستگان به حکومت حسنی مبارک مواجه شد. حدود یک سال پس از به قدرت رسیدن مرسى، نظامیان مصری برای به دست آوردن قدرتی که سال‌ها در اختیار آن‌ها بود وارد عمل شدند و مقابل اسلام‌گرایان ایستادند. بر این مبنای، نزاع و اختلاف نظر بر سر مشروعیت نظام سیاسی مهم‌ترین عامل اختلاف و تنش بین مرسى و ارتش بود. «از عوامل ایجادکننده وخامت در کشور مصر بعد از پیروزی انقلاب ۲۵ ژانویه، تشدید جنجال سیاسی بر سر مشروعیت انقلاب یا مشروعیت قانون اساسی بود.» (Al-Amarini, 2019: 132)

فرماندهان نظامی در مصر حاضر نبودند مهم‌ترین پایگاه خود، دادگاه‌ها و نظام قضایی، را در اختیار محمد مرسى، رئیس‌جمهور، و اخوان المسلمین قرار دهند. این روند می‌توانست جایگاه ارتش مصر و وابستگان حکومت پیشین (مبارک) را بیش از پیش متزلزل کند و شرایط را برای

تغییر شرایط روند قضایی و انتخاب قضات به نفع اسلام‌گرایان به پیش ببرد. تلاش مرسی نارضایتی نظامیان و ارتش را به دنبال داشت و سرانجام اقدامات رئیس‌جمهور اسلام‌گرا برای محدودیت قدرت قضات و تغییر روند قضایی به نتیجه نرسید.

تشکیل دولت و پارلمانی با اکثریت اسلام‌گرایان، سران ارتش مصر را به این نتیجه رساند که باید با اقدامات اخوان و حزب آزادی و عدالت، که پس از بهار عربی تأسیس شده بودند، مقابله کنند. کمیته‌های تدوین قانون اساسی تشکیل شد، اما با دخالت ارتش، اکثریت در این مجموعه به حامیان نظامیان رسید. «با کسب اکثریت کرسی‌های پارلمان توسط نیروهای اسلام‌گرا در اولین انتخابات پارلمانی پس از پیروزی انقلاب، زمینه تشکیل هیئت ۱۰۰ نفره برای تدوین قانون اساسی فراهم شد. با دخالت‌های ارتش مصر ترکیب این جمعیت تغییر کرد.» (Mazaheri, et al., 2014: 13)

فرماندهان نظامی در مصر سکوت و انفعال در مقابل دولت مرسی را کنار گذاشتند و اقدامات خود را با هدف گسترش محدودیت‌ها علیه دولت سازمان‌دهی کردند. دولت مرسی نیز برای جلب نظر ارتش کاملاً ناموفق عمل کرد. برکناری بسیاری از مقامات رژیم حسنی مبارک و تلاش برای دخالت در تغییر قانون اساسی از عوامل مهم تقابل ارتش با اخوان بود. «دولت محمد مرسی در نزدیک به ۱۳ ماهی که در قدرت بود به سبب کارشکنی ارتش و قوه قضائیه، مخالفت نیروهای سکولار (با این روند) و کنش‌های خودمحرورانه از جمله بی‌توجهی به دیگر نیروهای اجتماعی نتوانست نظام دموکراتیک را در مصر تحکیم کند.» (Haji Yousefi & Zakeri, 2020: 63)

نفوذ در هیئت‌های تدوین قانون اساسی از جمله اهداف ارتش مصر بود که با موفقیت انجام شد و امکان نقش‌آفرینی مرسی و اسلام‌گرایان محدود شد. «نظامیان با علم به اینکه در صورت برگزاری انتخابات ریاست جمهوری اسلام‌گراها پیروز میدان انتخابات خواهند بود و رئیس‌جمهور اسلام‌گرا در کنار پارلمان با اکثریت اسلامی برای جایگاه و نفوذ ارتش مشکل‌ساز خواهد شد، در یک اقدام حقوقی صلاحیت یک‌سوم نمایندگان انتخابی در پارلمان را از طریق دادگاه قانون اساسی زیر سؤال بردند و مجلس را بعد از چهار ماه منحل کردند.» (Herati & Zafari, 2013: 151) نظامیان مصری نهادهای قضایی را در اختیار خود داشتند و با نفوذ در ساختار دولت به محمد مرسی اجازه نمی‌دادند برنامه‌ها و اهداف مورد نظر اخوان المسلمین اجرایی شود. دخالت‌های ارتش در روند تشکیل هیئت‌های تدوین قانون اساسی و سرانجام انحلال

پارلمان زمینه‌ساز اقدامات اولیه ارتش برای حذف مرسی و اسلام‌گرایان از عرصه سیاست بود.

۶. نقش ارتش مصر در برگزاری تظاهرات خیابانی و شکل‌گیری جبهه نجات ملی

ارتش مصر و فرماندهان نظامی اقدامات عملی برای سرنگونی دولت مرسی و کودتا را با دو رویکرد به سرانجام رساندند. رویکرد اول سازمان‌دهی احزاب و شخصیت‌های سیاسی مخالف اخوان در جبهه سیاسی مشترک بود و رویکرد دوم نیز استفاده از ظرفیت گسترده اعتراضات مردم ناراضی بود که با سازمان‌دهی «جبهه تمرد» زمینه‌ساز حضور خیابانی مردم شد. «ارتش موفق شد همه ساختارهای اداری این کشور را علیه دولت مرسی بسیج کند. جبهه نجات ملی نیز با هدف ساقط کردن دولت مرسی، عصیان مدنی یا شور مردمی را در دستور کار قرار داد.» (Mazaheri, et al., 2014: 13)

با حضور خیابانی و سازمان‌دهی شده حامیان ارتش مصر در خیابان‌ها، مردم ناراضی نیز به آن‌ها پیوستند و این بار تجمعات خیابانی علیه محمد مرسی شکل گرفت. این جنبش اعتراضی مورد حمایت نظامیان مصری «جنبش تمرد» نام گرفت و در روزهای نزدیک به کودتا نقشی اساسی در سرنگونی رئیس‌جمهور اسلام‌گرا ایفا کرد. «جنبش تمرد به سرعت توانست در فضای نامساعد اقتصادی و ناامنی‌های روزافزون خواسته‌های خود را به یک جنبش اجتماعی تبدیل کند.» (Mazaheri, et al., 2014: 15)

جبهه نجات ملی با هدایت و رهبری شخصیت‌های سیاسی شناخته‌شده، از جمله محمد البرادعی و عبدالمنعم عبدالفتاح اخوانی سابق، و ناراضی از عملکرد دولت محمد مرسی شکل گرفت. فعالیت‌ها و اقدامات «جبهه نجات ملی»، متشکل از ۳۶ حزب و جریان سیاسی، نقش موثری در پیشبرد خواسته‌های نظامیان داشت. «گروه‌های ملی‌گرا و سکولار مصر، که انتقادات متعددی را متوجه عملکرد اخوان المسلمین کرده و آن را به تلاش برای انحصار قدرت یا حاکم کردن هنجارها و قوانین اسلامی در این کشور متهم می‌کردند، جبهه نجات ملی را در زمان همه‌پرسی قانون اساسی و مخالفت با قانون اساسی تشکیل دادند.» (dinparasty & Ramaza, 2017: 15) گروه‌های مختلف سیاسی در مصر بر سر موضوع حفظ جایگاه دادگاه‌های قانون اساسی و ممانعت از ورود شریعت به قانون اساسی با نظامیان همسو بودند.

اقدام دیگر مرسی در تصفیه گسترده سازمان‌های دولتی و کنار گذاشتن مدیران قبلی نیز

نگرانی گروه‌های مخالف از اقدامات رئیس‌جمهور را تشدید می‌کرد. جبهه نجات ملی در این شرایط با محوریت شخصیت‌هایی تشکیل شد که مخالف اقدامات دولت مرسی بودند و به اقداماتی که از نظر آن‌ها دولت اسلام‌گرا به شکلی انحصارگرایانه انجام می‌داد معترض بودند. توازن نیروهای سیاسی پس از شکل‌گیری دولت اسلام‌گرا به نفع اخوانی‌ها نبود و با گذر زمان ارتش برای شکل‌گیری جبهه سیاسی متحد علیه اخوان المسلمین نیروهای سیاسی سکولار و طبقه متوسط را با تبلیغات هدفمند سازمان‌دهی می‌کرد.

از دیدگاه روشنفکران مصری نیز حاکمیت اسلام‌گرایان منجر به تشدید خشونت‌ها علیه مردم و نارضایتی گسترده آن‌ها شده بود. برخی از فعالان سیاسی مصری پیش‌بینی کرده بودند که اعتراضات مردمی علیه دولت مرسی گسترش می‌یابد تا زمانی که دولت اسلام‌گرا سقوط کند. علا اسوانی در دوران حاکمیت دولت مرسی و اسلام‌گرایان این‌گونه پیش‌بینی و آرزو می‌کند: «انقلاب (اعتراضات جنبش تمرد) ادامه خواهد داشت تا زمانی که اخوان المسلمین سقوط کند و هزینه جنایت‌هایی را که مرتکب شده‌اند بپردازند.» (Mousavi Khalkhali, 2021: 75)

فرایند نارضایتی‌ها از سطح احزاب سیاسی و حامیان نظامیان به سطح جامعه نیز سرایت کرد و همسویی گروه‌های سیاسی و مذهبی عامل موثری شد تا جنبش تمرد نقش اصلی در اعتراضات خیابانی را ایفا کند و نیروی مردمی مورد نیاز نظامیان برای برکناری دولت مرسی برای نظامیان باشد.

جنبش تمرد در آستانه نخستین سالگرد ریاست‌جمهوری محمد مرسی از مردم خواست به خیابان‌ها بروند و دست به اعتراض بزنند. ارتش، که از حمایت نیروهای چپ‌گرا و لیبرال مخالف دولت و نیز رهبران مذهبی از جمله شیخ الازهر، عالی‌ترین مقام مذهبی مصر و رهبر مسیحیان قبطی برخوردار بود، در حمایت از معترضان وارد عمل شد و به ضرب‌الاجل برای کناره‌گیری محمد مرسی رسمیت بخشید. (dinparasty & Ramazani, 2017:22)

ارتش مصر مرحله به مرحله شرایط را برای کودتا و سرنگونی مرسی فراهم کرد و با انسجام و زمینه‌چینی دولت مرسی را به ناتوانی در اداره امور و تنش‌آفرینی و بی‌ثباتی متهم کرد. با گسترش اعتراضات جنبش تمرد ارتش وارد عمل شد و به رئیس‌جمهوری اسلام‌گرا هشدار داد در صورت ادامه وضع موجود با قدرت وارد عمل خواهند شد. ژنرال عبدالفتاح السیسی، وزیر دفاع، به محمد مرسی و اخوانی‌ها هشدار داد و موضوع دخالت ارتش را مطرح کرد. «نیروهای

مسلح نمی‌توانستند گوش و چشم خود را ببندند و جنبش و صدای خیل مردمی را که نقش ملی خود را طلب می‌کردند، نبینند و نشنوند». (Al-Zain, 2018: 94)

همسویی طیف‌های گسترده سیاسی در کنار روشنفکران ناراضی از وضعیت موجود و تداوم اعتراضات جنبش ترمرد زمینه را برای شکل‌گیری کودتا و بازگشت نظامیان به قدرت فراهم کرد. اخوان المسلمین، که سران این گروه در چشم‌انداز و تحلیل خود انتظار حمایت از قشرهای مذهبی و بخشی از طبقه متوسط را مانعی برای قدرت‌آفرینی ارتش می‌دانستند فرصتی برای بسیج حامیان خود پیدا نکردند و ژنرال عبدالفتاح السیسی با استفاده از دو نیروی اجتماعی (اعتراضات مردمی) و نیروهای فکری و سیاسی (احزاب مخالف و روشنفکران) با کودتا، بهار عربی را در مصر به پایان رساند.

۷. پیامدهای کودتا: تحکیم قدرت ارتش و سرکوب گسترده اخوان المسلمین

با به قدرت رسیدن السیسی پس از کودتا، روند تحولات سیاسی مطابق با برنامه‌ها و اهداف ارتش مصر پیش رفت. ارتش به‌طور مستقیم عدلی منصور را به‌عنوان رئیس‌جمهور موقت تا زمان برگزاری آتی انتخابات ریاست جمهوری مصر انتخاب کرد و قوه مجریه و دادگاه‌ها دوباره در اختیار نظامیان قرار گرفت. (Mazaheri, et al., 2014: 16)

برای نظامیان و عبدالفتاح السیسی برگزاری همه‌پرسی و سپس تشکیل پارلمان و دولت اولویت داشت. اختناق سیاسی تشدید شد و محدودیت‌ها دوباره آغاز شد. انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۳ بازگشت دوباره به نظام سیاسی سابق بود. «میلیتاریسم» این‌بار پشتوانه سیاسی نیز داشت و رئیس‌جمهور نظامی برای تثبیت قدرت خود و بازتجدید فرمانروایی با پشتوانه ارتش اقدامات خود را آغاز کرد.

۸. هدف‌گذاری و اقدامات دولت اقتدارگرای نظامی علیه اخوان المسلمین

عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، پس از کودتا توانست بار دیگر ارتش را برای تشکیل دولتی اقتدارگرا منسجم کند و با اجرای کودتا به هدف خود نیز رسید. السیسی بار دیگر قانون اساسی را با برگزاری رفراندوم نمایشی احیا کرد و با تشکیل گسترده دادگاه‌ها و محاکمه سران اخوان المسلمین به هدف خود رسید. در ساختار سیاسی اقتدارگرا نهادهای سیاسی و دادگاه‌ها کاملاً در اختیار ارتش بودند و السیسی برای پیشبرد اهداف خود ساختار قدرت را کاملاً با

خواسته‌های خود پیش می‌برد. «اوج سیاست‌های اقتدارطلبی سیاسی تدوین قانون اساسی جدید مصر بود که تمامی فعالیت‌های ارتش مصر را تحت هیچ عنوانی ذیل نظارت پارلمان مصر قرار نداد.» (Alishahi, a, Masoudnia, Forouzan, y (2020 :84)

فرایند تشکیل دادگاه‌های نظامی شرایط را برای اخوان دشوار کرد و ارتش و دولت سیاسی نیز با استفاده از تبلیغات موفق شدند اخوان را به‌عنوان گروهی ضدامنیتی و بحران‌ساز معرفی کنند. «دادگاه اخوان المسلمین را ممنوع‌الفعالیت و تمامی اموال آن را مصادره کرد. به دنبال آن در سال ۲۰۱۴، دادگاهی در مصر برای محمد بدیع، رهبر اخوان المسلمین، و 682 نفر از اعضا و هواداران اخوان در مصر حکم اعدام صادر کرد.» (Mazaheri, et al., 2014: 17)

روند تحولات سیاسی به‌گونه‌ای بود که سران اخوان المسلمین امکان هیچ فعالیتی نداشتند و با رای دادگاه‌ها و حمایت دانشگاه الازهر نیز به‌عنوان گروهی تروریستی شناخته شدند. پیامد تثبیت جایگاه و قدرت گرفتن رئیس جمهور نظامی در مصر متلاشی شدن ساختار اخوان در این کشور بود و سران این گروه در دادگاه‌ها محاکمه شدند و برخی نیز برای ادامه فعالیت به خارج از این کشور رفتند.

۹. سیطره همه‌جانبه دولت سیاسی بر نهادهای سیاسی و قانون‌گذاری

رویکرد دیگر سیاسی نفوذ در ارکان قدرت و استفاده از ظرفیت‌های قانونی برای تثبیت جایگاه دولت اقتدارگرا بود. سیاسی نفوذ و قدرت نظامیان در ساختار سیاسی را بسط داد و از موقعیت جدید برای پیشبرد اهداف خود بهره برد. پس از آغاز دوران ریاست جمهوری سیاسی، ارتش دوباره با سرعت بیشتری دادگاه‌های وابسته به خود را احیا کرد و تسلط نظامیان و دولت سیاسی بر نهاد قانون‌گذاری امکان سرکوب بیشتر و سریع‌تر مخالفان ازجمله اخوان را فراهم کرد. سیاسی در فرایندی که همواره نظامیان مصری آن را به کار می‌بردند مستقیم وارد عرصه سیاسی و ساختار قدرت شد.

در تحولات سال‌های اخیر مصر، دولتی اقتدارگرا و میلیتاریستی بر نهاد قدرت حاکم شده و ارکان قدرت را در اختیار دارد. ارتش مصر و دولت سیاسی شراکت و همکاری با دیگر گروه‌های سیاسی را کنار گذاشته‌اند و با تثبیت حاکمیت خود حاضر به شرکت با احزاب مخالف نیستند. نفوذ و تاثیرگذاری دولت سیاسی در نهاد قضایی نیز ریشه تاریخی در تحولات این کشور دارد

که دادگاه‌های نظامی همواره بخشی از حاکمیت نظامیان بودند. (Victoria, Carty (2014 : 73).

السیسی با تثبیت قدرت، جایگاه ارتش مصر را به‌عنوان تاثیرگذارترین عامل تحولات در این کشور تثبیت کرد. دولت اقتدارگرای مصر نیرو و امکانات خود را بر مبنای توانمندی ارتش و نهادهای سیاسی قرار داده است. تحولات سال‌های اخیر پس از کودتا (۲۰۱۳ - ۲۰۲۳) به نوعی تثبیت و نفوذ جایگاه همه‌جانبه نظامی‌گری ارتش در ارکان اجتماعی و سیاسی کشور مصر بوده است. دولت السیسی با استفاده از توانایی‌های موجود و ساختارمندسازی نهاد قدرت به نفع میلیتاریسم حاکم قدرت خود را مجدد سازمان‌دهی کرد و از همه نهادهای سیاسی و قضایی برای به وجود آوردن فضای سیاسی محدود بهره برد.

۱۰. نتیجه‌گیری

السیسی و نظامیان مصری برای زمینه‌سازی کودتا و به نتیجه رسیدن سریع آن از نیروهای اجتماعی حامی و احزاب سیاسی همسو نهایت بهره را بردند. نارضایتی شدید طبقه متوسط از عملکرد محمد مرسی و اسلام‌گرایان بسترسازی کافی برای نظامیان و وابستگان آن‌ها در حلقه قدرت بود تا جبهه سیاسی گسترده‌ای را علیه اخوان تشکیل دهند. در مقطع به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان، دولت مرسی برای تثبیت جایگاه خود باید به توافقی سیاسی با رقبای اصلی (ارتش، اسلام‌گرایان میانه‌رو و احزاب سکولار) می‌رسید که در این امر ناکام بود.

سیاست‌های دولت مرسی همچنین در تشدید شکاف‌های اجتماعی بین حامیان اخوان تاثیرگذار بود و با شروع اعتراضات «جنبش تمرد» دولت اسلام‌گرا توانایی جذب و همراهی اقشار مختلف مردم را نداشت. دولت مرسی به دنبال اجرای برنامه‌ها و اهدافی بود که با خواست بخش قابل توجهی از جامعه مصر در تضاد بود. تشکیل ائتلافی سیاسی - نظامی بین ارتش و احزاب مخالف نقشی تعیین‌کننده در سرنگونی دولت مرسی بازی کرد. کودتا در شرایطی شکل گرفت که بسترهای اجتماعی و سیاسی آن به دلیل نوع عملکرد اسلام‌گرایان فراهم شده بود و اخوان المسلمین، احزاب همسو و فعالان سیاسی اسلام‌گرا توانایی مقابله با اقدامات ارتش را نداشتند.

السیسی و نظامیان مصری نیز در فرایندی زمان‌بندی‌شده و با اهداف مشخص، نیروها و امکانات خود را بسیج کردند و به‌راحتی توانستند از روند تثبیت دولت اسلام‌گرا خودداری کنند.

کودتای ارتش پیامد همسویی و همکاری نیروهای سیاسی با ارتش بود که در شکل‌گیری بهار عربی نیز نقش داشتند، اما این جناح سیاسی، که نگران اقدامات یک‌جانبه و احتمال نفوذ و تسلط اخوان بر ارکان قدرت بودند، آشکارا مقابل اسلام‌گرایان ایستادگی کردند و در معادله قدرت کاملاً به ارتش و نظامیان گرایش یافتند. ارتش مصر با تکیه بر احزاب ناراضی و مردم معترض طبقه متوسط طرح و نقشه کودتا را پیش بردند و پس از تثبیت جایگاه دولت السیسی و دوران ریاست جمهوری او نیز ارتش به جایگاه اصلی خود در نظام سیاسی بازگشت. مهم‌ترین پیامد سیاسی کودتا و بازگشت ارتش مصر به قدرت، شکل‌گیری نظامی اقتدارگرا بود که بر تمامی بخش‌های سیاسی و اقتصادی تسلط داشت.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

References

- Al-Shafiq Al-Amarini, N. (2019). *The political autumn of the Arab revolutions (Explaining the foundations of the formation of the Arab Spring and its causes)* (A. Madani & S. Homayouni, Trans.). Tehran: Nashre Negahe Moaser
- Al-Zain, H. M. (2018). *Documents of the Arab Spring and Islamic Awakening* (J. Shojaei, Trans.). Tehran: Imam Sadiq University.
- Alishahi,a, Masoudnia,h, Forouzan,y (2020) The Transition to the Second Wave of the Revolution; An Analysis of the Performance of the Authoritarian Government of Abdel Fattah al-Sisi in Post-Morsi Egypt The Quarterly Journal of Political Studies of Islamic World Vol.9 ,NO.35, Fall 73-96
- Bagheri Dolatabadi, A., & Awadpour, M. (2013). Egyptian revolution, its origins, actors and consequences, focusing on the period 2011–2013. Tehran: Publications of the African Studies Group.
- Bashirieh, H. (2015). *From Crisis to Collapse (Exploring the Persistence or Vulnerability of Political Systems)*. Tehran: Negha Maazareh Publishing House.
- Bushrieh, H. (1376/1997). *Political Sociology (The role of political forces in political life)* (3rd ed.). Tehran: Nei Publishing House.
- dinparasty, S., & Faez-Ramazani, Z. (2017). Investigation of political instability and government coalitions in post-revolutionary Egypt based on game theory. *State Research Quarterly, Journal of Faculty of Law and Political Science*, 4(51), Fall. [In Persian]
- Haji Yousefi, A. M., & Zakari, M. A.-S. (2019). *Popular uprisings in Arab countries: Bases and consequences (2011–2019)*. Tehran: Shahid Beheshti University Publications.
- Hamidi, S., Mosdkhahe, E., & Aghajani, S. (2023). Deleuze's reading of the system of paranoid tyranny in North Africa and the emergence of desire in the Arab Spring developments: Case study Egypt, Tunisia, Libya. *Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World*, 5(15), Spring.

- Harati, M. J., & Zafari, M. (2012). The difference between the role and position of the army in the process of the Islamic Revolution of Iran and the developments of 2011 in Egypt. *Scientific Research Quarterly of the Islamic Revolution Research Journal*, 2(8), Autumn.
- Hoshi Sadat, S. M. (2019). *Political and social history of the Middle East (from the ancient era to the post-modern era)*. Tehran: Tehran University Publications. [In Persian]
- Husseini, I. M. (2006). *The Muslim Brotherhood is the largest contemporary Islamic movement* (S. H. Khosrowshahi, Trans.; 4th ed.). Tehran: Information Publishing Institute.
- Khodori, M. (1995). *Political tendencies in the Arab world* (A. Alam, Trans.). Tehran: Ministry of Foreign Affairs.
- Mazaheri, M. M., Molai, A.-K., & Majid, K. (2014). The role of the military in the process of Islamic awakening in Egypt. *Defense Policy Magazine*, 23(35), Autumn. [In Persian]
- Michelle, R. (2016). *Muslim Brotherhood Community* (S. H. Khosrowshahi, Trans.; Vol. 1). Tehran: Publications of University of Religions.
- Motalebe, M. (2016). Recognizing the role and place of the army in the socio-political developments of Egypt before and after the fall of Morsi's government. *Scientific-Research Quarterly Journal of Political Sociology of the Islamic World*, 5(1), Spring-Summer.
- Mousavi Khalkhali, A. (2021). *The uprising of the disillusioned people* (Compiled and Trans.). Tehran: New Edition.
- Nabave, S. A., & Ebrahim Nia, H. (2014). The Muslim Brotherhood and the Ennahda: Similar beliefs on a different path. *Specialized Political Science Quarterly*, 10(29), Winter.
- Victoria, Carty. (2014). Arab Spring in Tunisia and Egypt: The impact of new media on contemporary social movements and challenges to social move-

ment theory. *International Journal of Contemporary Sociology*, 51(1), 51–80.

Zulfagari, V. (2023). Pathology of the transition to democracy in Egypt, 1950–2020. *Islamic World Fundamental and Applied Studies Quarterly*, 5(16), Summer.